

عوامل وموانع گسترش احادیث شیعه در عصر امام موسی کاظم(ع)

حیدر محسن*

دکتر ناصر باقری بیدهندی**

چکیده:

حدیث شیعه، در طول حیات خویش، فراز و نشیب های بسیاری به خود دیده است. وحدیث شیعه در دوران امامت امام کاظم(ع) با وجود سختگیریهای خلفای عباسی، نتوانست شاکله اصلی مدرسه حدیثی شیعه را نابود کند. هزاران صحابی دانشمند در گوشه و کنار سرزمین اسلامی پراکنده بودند و علوم و معارف شیعی را به دیگران منتقل می کردند. گسترش علوم و معارف شیعی در زمان صادقین (ع) و تربیت شاگردان عالم ودانشمند سبب رونق حوزه حدیث و معارف اسلامی در دوران امام کاظم(ع) شد. حدیث شیعه در دوران امامت امام کاظم(ع) بدلائل گوناگون از جمله طولانی بودن دوران امامت حضرت، پدید آمدن دوران فراغت در زمان مهدی وهادی عباسی، گزارش بسیاری از روایات توسط برادر ایشان جناب علی بن جعفر نگارنده کتاب مسائل، سازمان وکالت که در زمان امام(ع) به اوج خود رسیده بود واصحاب و یاران آن حضرت در گوشه و کنار سرزمین اسلامی حضور داشتند واحادیث وروایات ائمه وامام کاظم(ع) را به دیگران منتقل می کردند، گسترش یافت. اما آن گونه که در دوره امامت امام صادق(ع) در حال گسترش بود، واحادیث وروایات شیعه در محافل عامه و خاصه به اوج خود رسیده بود، رشد نیافت. عدم گسترش احادیث در دوران امامت امام کاظم(ع) به دلیل عوامل گوناگون از جمله جو خفقان واختناق سیاسی برای امام(ع) وشیعیان، کارشکنیهای دستگاه خلافت، اختناق فرهنگی، دوری شیعیان از امام(ع) وغیره بوده است لذا این سؤال مطرح می شود که وضعیت حدیث شیعه در دوران امامت امام کاظم(ع) چگونه بوده است؟ در این رساله، با مراجعه به کتب روایی وتاریخی به سؤال فوق پاسخ داده می شود.

واژگان کلیدی: حدیث، روایت، شیعه، اصحاب، امام موسی کاظم(ع).



مقدمه

از میان دوران فراز و نشیب تاریخ تشیع، به ویژه عصر حضور ائمه علیهم السلام زمان امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چون از طرفی افکار و اندیشه های مختلفی در جهان اسلام پدید آمده، و در این دوره از رونق برخوردار گشته اند و از طرف دیگر فرقه های مختلف و متعددی در میان مسلمانان شکل گرفته و هر کدام داعیه رهبری و هدایت جامعه را داشتند. از سوی دیگر جامعه شیعه هم پس از شهادت امام صادق (ع) با بحران مواجه گشته بود و افرادی مدعی جانشینی آن حضرت بودند. این در حالی بود که خلافت عباسی هم در پی یافتن جانشین امام جعفر صادق (ع) بود. در چنین فضا و شرایطی امام کاظم (ع) به امامت رسیدند و در آغاز با رعایت اصل تقیه اقدامات ویژه ای در پیشبرد جامعه به سوی هدایت انجام دادند و پس از مدتی آرامش را بر شیعیان حاکم کردند و با گسترش و نهادینه کردن سازمان و کالت شبکه ارتباطی وسیعی در جامعه شیعی آن زمان پدید آورده که نقش مهمی در انسجام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان داشت.

لذا برای پی بردن به عوامل گسترش حدیث شیعه در این دوره و همچنین موانع گسترش در آن، نیازمند بستر شناسی دوران آن حضرت (ع) هستیم. بنا بر این در تحقیق سعی خواهیم کرد علل و عوامل گسترش و موانع گسترش حدیث شیعه عصر امام کاظم (ع) بررسی نماییم.

عوامل گسترش حدیث شیعه در دوران امام کاظم (ع)

دوران خفقان آلود سیاسی معاصر امام موسی بن جعفر علیه السلام به ویژه در زمان منصور دوانیقی و هارون الرشید، سخت ترین روزگار امامان علیهم السلام به شمار می رود. ولی با وجود این، شمار روایات امام کاظم (ع) به نسبت فراوان و گسترده است.

بنا بر این عوامل گسترش حدیث شیعه در دوران امامت امام کاظم (ع) را بیان می کنیم:

۱. دستاورهای عصر صادقین علیهم السلام

با وجود آن که در دوران امامت امام کاظم (ع) شرایط برای امام و یاران ایشان بسیار سخت بود و امام در دوران امامتش در زندان و تحت مراقبت دستگاه حکومت بود، توانست با یاران و دوستان خود رابطه برقرار نمایند و در هر فرصتی آن جناب کلمات حکمت آمیز و سخنان پند آموز

به اطرافیان، حتی به زندانیان، می فرمودند که همه این سخنان، باعث گسترش احادیث و میراث فرهنگی شیعه گردید.^۱

شیخ مفید درباره آن حضرت(ع) می نویسد: مردم از ابوالحسن موسی(ع) بیشترین روایت را دارند که فقیه ترین و حافظ ترین در حفظ قرآن و دارای زیباترین صوت در میان برادرانش و مردم زمان خود بود.^۲

ذهبی ذیل نام آن حضرت(ع) می نویسد: الامام، القدوه، السید ابو الحسن العلوی، والد الامام علی بن موسی الرضی نیز می گوید: آن حضرت(ع) از پدرشان حدیث گفته اند و از آن جناب فرزندان: علی، ابراهیم، اسماعیل، حسین و برادرانش (علی بن جعفر، محمد بن جعفر) و محمد بن صدقه العنبری و صالح بن یزید حدیث نقل کرده اند به سبب عبادات و اجتهادش عبد صالح خطاب می شد و سخی و کریم بود.^۳

امام کاظم(ع) با توجه به شرایط موجود در آغاز امامت خود صلاح ندید دست به قیام سیاسی حاد بزند و آشکارا با حکومت منصور به ستیز برخیزد، بلکه کار عظیم فرهنگی پدر بزرگوارش را دنبال کرد و فرهنگ گسترده اسلامی را با آراء و نظریات مبارک خود پربارتر ساخت. سید بن طاوس نقل می کند:

جمعی از خواص امام کاظم(ع) از خاندان و شیعیانش در مجلس درس او حاضر می شدند و سخنان و نظرات حضرت را در لوحه هایی که در آستینهای خود مخفی کرده بودند یادداشت می کردند.^۴ حتی زمانی که امام(ع) در زندان سندی شاهک بود، گروهی از عالمان و راویان حدیث توانستند دور از چشم جاسوسان و پنهانی با امام(ع) دیدار کرده، از چشمه زلال و گوارای دانش امام(ع) جرعه ای بنوشند. از جمله عالمانی که به دیدار امام(ع) نایل آمد «موسی بن ابراهیم مروزی معلم فرزند سندی بود. او توانست از سندی اجازه ملاقات با امام(ع) بگیرد. ابراهیم آن چه را که از امام(ع) شنیده بود نگاشته، به صورت کتابی درآورد.^۵

سید امیر علی نویسنده مشهور می نویسد:

۱. احمد بن علی، نجاشی، ص ۴۰۷.

۲. محمد بن نعمان، مفید، همان، ص ۲۱۸.

۳. محمد بن احمد، ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۱۱۲.

۴. عباس قمی، الانوار البهیه، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۵. احمد بن علی، نجاشی، ص ۴۰۷.

«در سال ۱۴۸ هجری امام صادق(ع) در مدینه در گذشت ولی مکتب علمی ایی که تأسیس کرده بود با رحلت او تعطیل نشد بلکه به رهبری فرزند و جانشینش موسی کاظم(ع) شکوفا گردید.»^۱

بنا بر این امام کاظم (ع) در دوران سخت و شدید به تربیت شاگردان پرداخت و علوم خود را به شکل های مختلف به دستداران و یاران منتقل نمودند. و این سخنان و کلمات حضرت به صورت حدیث در رشته های مختلف در آمد، که نتیجه آن گسترش حدیث شیعه در عصر آن حضرت شد.

۲: وضعیت فرهنگی

فرهنگ شیعی که در دوررران صادقین علیهم السلام قوام گرفته و انسجام یافته بود، به بار نشست و ثمرات ملموسی از خود بر جای نهاد اصحاب ائمه علیهم السلام با استفاده از احادیث امام باقر و امام صادق علیهم السلام به تدوین حدیث و نگارش معارف برگرفته از آن پرداختند.^۲

نگارشهای حدیثی که با تدوین اصول اربعه مائه آغاز شده بود^۳ در این دوران به کتابهای موضوعی و سپس به جوامع حدیثی تبدیل شد و راه را برای استنتاج احکام و معارف برای دانشمندان شیعی باز کرد. مراجعه مردم عادی به دانشمندان و عالمان شیعی به فرهنگ عمومی تبدیل شد و جایگزین مراجعه مستقیم به امام(ع) گردید.

امامان معصوم(ع) با نشر و تبلیغ این روش از دوران امام صادق(ع) مردم را برای ورود به عصر غیبت آماده ساختند سؤال از ائمه علیهم السلام از حالت شخصی خارج شد و به صورت سؤالات فنی، تخصصی و فقیهانه ارائه گشت مجموعه کتابهای «مسائل» که در این دوره پدید آمد برگرفته از این سؤالات بود.

مکتوبات حدیثی ائمه علیهم السلام که در پاسخ به نامه های یاران خود می نوشتند در این دوران افزایش یافت. توقیعات نیز از طریق وکلای ائمه علیهم السلام بین امام و شیعیان رد و بدل می شد. حوزه های حدیثی شیعی متعددی در مناطق مختلف پدید آمد که به تعلیم و تربیت عالمان و دانش آموزان پرداخت. برخی از این حوزه های حدیثی به صورت گسترده و از مبانی و روشهای

^۱. امیر علی، مختصر تاریخ العرب، ص ۲۰۹، نشر دارالعلم، بیروت، ۱۹۶۱م.

^۲. عباس قمی، انوار البهیة، ص ۹۱.

^۳. فضل بن حسن، طبرسی، اعلام الوری، ۴۳۹، ۱۰، ۱۰.

مخصوص به خود جلوه نمود. در نتیجه مدرسه های حدیثی قم و بغداد تشکیل شد و شاکله اصلی خود را یافت. در این مدارس حدیثی، احادیث معصومین و به خصوص صادقین (علیهم السلام) به گونه های مختلفی تحلیل و جمع بندی می گشت. مبارزه ائمه و اصحاب آنان با غلات از دیگر جلوه های فرهنگی در این دوران است.^۱

احتجاجات و مباحثات کلامی ائمه و اصحاب ایشان با مخالفان فکری خود نیز از جلوه های فرهنگی این دوران است. علوم حدیث نیز در این دوره رشد یافت و بارور شد. تدوین کتب حدیثی و نقل آن برای نسلهای پسین موجب پیدایش طریق و سند شد و در ادامه به پیدایش و پویایی علم الرجال انجامید شناسایی راویان ضعیف و پیراستن کتب حدیثی از وجود آنان اوج گرفت درایه الحدیث به معنای فهم دقیق و عمیق روایات (فقه الحدیث) که مورد تأکید ائمه (علیهم السلام) بود با مراجعه اصحاب خاص و دانشمند به ائمه (علیهم السلام) و یا مراجعه گروههای پایین تر شیعیان به اصحاب خاص گسترش یافت.

۳: وضعیت اجتماعی

شمار شیعیان از نظر کمی روبه فزونی و فرهیختگی نهاده بود. پراکندگی جغرافیایی مناطق شیعه نشین نیز از کوفه تا قم، طبرستان، خراسان، بغداد که مرکز حکومت عباسی و تازه تأسیس بود، مصر، یمن و... گسترش یافته بود.

همراه با رفاه عمومی که در این زمان پدید آمده بود وضعیت شیعیان نیز از نظر مالی بهبود یافته و حساب و کتاب مالی همچون خمس و سایر نفقات و واریز پول برای امامان (علیهم السلام) شایع شده بود. گستردگی جغرافیایی مناطق شیعه نشین و افزون شدن تعداد شیعیان سبب تشکیل سازمان و گروهی به نام وکالت شد که تشکیلاتی منسجم و منضبط داشت و امور مالی ناحیه امامت را سامان می داد.

یکی از موارد سخن چینی و سعایت از امام کاظم (ع) نزد خلیفه عباسی افشای نهاد وکالت و سرازیر شدن اموال به سمت امام موسی بن جعفر (علیهم السلام) بوده است؛ به گونه ای که بعضی از برادران و برادر زادگان امام کاظم (ع) در حضور خلیفه به این سازمان و اموال اشاره کرده اند.^۲

۱. محمد بن عمر، کشی، رجال کشی، ص ۲۱۰.

۲. محمد بن نعمان، مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۴.

با توجه به اوضاع زمانه امام کاظم(ع) می توان عوامل گسترش و موانع گسترش حدیث شیعه را در این دوره مورد بررسی قرار داد. لذا ما با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن امام همام، عوامل گسترش و عدم گسترش حدیث شیعه در این عصر تحلیل خواهیم نمود

۴. سازمان و کالت

گرچه جو خفقان و اختناق در زمان امام کاظم (ع) حاکم بود و شیعیان و دوستان ایشان امام(ع) نمی توانستند با امام (ع) به آسانی ارتباط برقرار نمایند اما خود این شرایط سخت زمینه ای را برای شیعیان فراهم کرد تا از آن طریق بطور جدّ فرمایشات امام و پیشوای خود را دنبال نمایند. به نظر می رسد بخاطر پراکندگی جغرافیایی شیعیان در عصر امام کاظم (ع) نمایندگان و کلای آن حضرت(ع) در سراسر مناطق شیعه نشین حضور داشتند. و کلاء چون راه ارتباطی میان امام (ع) و شیعیان شناخته می شدند، مسائل و مشکلات شیعیان را منتقل می کردند و وکلاء این مسائل و مشکلات را با امام(ع) در میان گذاشته، از امام(ع) پاسخ دریافت می کردند و به شیعیان آن پاسخ ها را منتقل می کردند. این کار یعنی مبادله و ارتباط غیر مستقیم بین امام و شیعیان باعث گسترش هر چه بیشتر معارف شیعه در عصر امام کاظم (ع) شد. امام (ع) با وجود همه مشکلات، گروهی از شیعیان خاص را گرد آورد و کلمات و احادیث خویش را نشر داد. امام کاظم (ع) در مدت ۳۵ سال امامت، با وجود همه مشکلات سیاسی از طرف حکومت، شاگردان فقیه‌ی را همچون علی بن یقظین، حسان بن مهران، عبد الرحمن بن حجاج، اسحاق بن عمار کوفی، اسماعیل بن موسی و... پروانده تا حوزهٔ درسی معارف دینی گسترش یابد.^۱

۵. مرجعیت علمی امام (ع)

یکی از علل و عوامل گسترش حدیث در عصر امام کاظم(ع)، مرجعیت علمی آن حضرت(ع) بود. واقعیت این است که پس از آن که عباسیان با شعار «دعوت به سوی فرد مورد قبول از آل محمد^۱ به قدرت رسیدند، به منظور به بیراهه کشاندن امت اسلامی، «نظریهٔ حکومتی» خود را که ناسره و سره را باهم آمیخته بود اساس خلافت خود قرار دادند. در این شرایط بود که امام کاظم (ع) مبانی فکری و اصول اعتقادی را که امامان پیش از او پایه گذاره بودند و در واقع چنان است حکاماتی بود که اندیشه های مخالف شرع و مجعول را طرد و نفی می

^۱. باقر شریف القرشی، همان، ص ۴۹۳.



کرد در میان مسلمانان عمق بخشیده و متمرکز کرد. از این رو معیاری روشن ارائه داد تا امت اسلامی بتواند بر اساس آن، مدعیان رهبری و خلافت شرعی را از صاحبان و شایستگان این منصب باز شناسد.^۱

۶. طولانی بودن دوران امامت حضرت به مدت ۳۵ سال (سال ۱۸۳-۱۴۸)ق

لذا در دوران امامت شاگردان زیادی از محضر آن حضرت(ع) تربیت شدند و به اقصی نقاط دنیا به امر تبلیغ دین و مذهب پرداختند. چنانچه بحث آن در فصول آتی خواهد آمد، این شاگردان تربیت محضر امام(ع) در مراکز مهم حضور داشتند. این شاگردان به عنوان محدث، مفسر، فقیه و غیره، احادیث امام را به دیگران نقل می کردند و شیعیان در عرصه های مختلف از احادیث و آموزه های امام (ع) بهره مند می شدند.^۲

۷. پدید آمدن دوران فراغت در زمان مهدی و هادی عباسی

درست است که امام موسی کاظم(ع) همواره در شرایط سخت زندگی می کرد و از حیث امنیتی و سیاسی تحت نظر دستگاه حاکم بود، اما در دوران حکومت مهدی عباسی و هادی عباسی به دلایل مختلف، سخت گیری سیاسی و امنیتی از طرف حکومت کاسته شد.^۳ امام (ع) از فرصت پیش آمده، بهره بردند و به تربیت شاگردان، و رساندن پیام الهی سعی و تلاش کردند.

۸. کتاب مسائل علی بن جعفر

علی بن جعفر گزارش بسیاری از روایات(نزدیک به ۷۰۰روایت) توسط برادر ایشان جناب علی بن جعفر عریضی نگارنده کتاب مسائل باعث گسترش حدیث در عصر امام(ع) شده است.^۴ لذا ابتداء به طور اختصار زندگانی علی بن جعفر را بیان می کنیم تا نقش علی بن جعفر در گسترش حدیث در دوران امام کاظم(ع) روشن گردد.

۱. محمد بن نعمان، مفید، همان، ص ۲۱۳.

۲. عزیر الله عطاردی، مسند امام کاظم علیه السلام، ص ۴۴.

۳. رشید الدین ابو عبدالله محمد بن علی سرو مازندرانی، ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۲۵.

۴. احمد پاکتچی، درس گفتارهایی درباره : نقد متن، ویرایش: صالح زراعی، ص ۸۰.

علی بن امام جعفر صادق بن محمد باقر بن محمد بن علی زین عابدین بن ابی عبد الله حسین بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب^۱.^۸ علی بن جعفر فرزند کوچک امام صادق (ع) بود و در دوران کودکی پدرش از دنیا رفت.^۲

علی بن جعفر در سفر و غیر سفر همراه امام (ع) بود و از ایشان کسب فیض می کرد و از امامتش دفاع می کرد. بنا بر فرمایش شیخ مفید ایشان همراه برادرش امام موسی بن جعفر^۳ بود و از ایشان روایات بسیاری نقل نموده است.^۳

اصحاب کتب رجالی به خوبی از ایشان یاد کرده اند و این نشان دهنده این است که علی بن جعفر نزد آنها جایگاه خاصی داشته و مورد اعتماد آنها بوده است. چنانچه شیخ مفید می فرماید: وی روای حدیث، راه محکم، با تقوا، صاحب فضل بوده، و همراه برادرش موسی (ع) بوده و از ایشان روایات بسیاری نقل نموده است.^۴

عمده این است علی بن جعفر به عنوان یک شخص شیعی که مدافع امامت و ولایت بوده و اهل بیت^۸ را به عنوان مرجعیت علمی قبول دارند و مسائل و مشکلات علمی خویش را با مراجعه به امامان^۸ حل می نمایند. و این روایات و احادیث از لحاظ تعداد خیلی زیاد بوده، و در زمینه های مختلف کلامی، اخلاقی و عملی (احکام) و غیره می باشد. بویژه در دوران امامت امام کاظم (ع) که علی بن جعفر احادیث زیادی را از آن حضرت (ع) نقل نموده است. لذا یکی از عوامل گسترش حدیث در عصر امام کاظم (ع)، شخص علی بن جعفر است که ایشان در زمینه های مختلف سئوالات زیادی را از محضر امام کاظم (ع) پرسیده، به صورت مسائل علی بن جعفر در آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سید ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۸۷/۱۱، رقم ۷۹۶۵

۲. ابن عنبه، عمده الطالب، ص ۲۴۱

۳. الارشاد، همو، ص ۲۸۷؛ ابن عنبه، همان، ص ۲۴۱.

۴. محمد بن نعمان، مفید، الارشاد، ص ۲۸۷.

موانع گسترش احادیث شیعه در عصر امام کاظم (ع)

۱. وضعیت سیاسی

در زمان حکومت عباسیان شیعیان در شرایط بسیار سختی زندگی می کردند و باوجود انواع شکنجه ها و سختیها از عقیده خودشان دست بردار نبودند و بلکه در برابر آن ایستادند و مقاومت کردند.^۱ و دوران امامت آن حضرت (ع) ده سال در عهد خلافت منصور عباسی گذشت منصور در تمام ایام خلافتش از تعقیب و تهدید و آزارطالبیان و حبس و شکنجه و کشتار آنان پروایی نداشت. منصور به تعقیب مخالفان و سرکوب آنان تا پایان خلافت ادامه داد و هنگامی که عازم سفر حج شد، کلید خزانه داری را به همسر مهدی داد و گفت که پس از مرگ وی درب آن بگشایند و تأکید کرد شخص سومی از این جریان آگاه نشود. پس از مرگ منصور، مهدی بر تخت خلافت عباسی نشست و به اتفاق همسرش از آن خزانه بازدید کرد. او ناگهان در مقابل خود، عمارتی بزرگ دید که جوانان و پیران و کودکان فراوان طالبیان در آن کشته شده و اجساد آنان بر زمین افتاده و به گوش هر یک از آنان، برگه ای حاوی مشخصات و نسب ایشان آویخته شده بود. این صحنه خوفناک مهدی را به وحشت انداخت و دستور داد گودالی کنند و اجساد بی شمار علویان کشته شده را در آن دفن کردند. امام کاظم(ع) در طول ده سال خلافت منصور، به شدت زیر نظر بودند و جاسوسانی در مدینه، رفت و آمدهای آن حضرت (ع) را کنترل می کردند و یاران او را زیر نظر داشتند آن حضرت (ع) نیز در تداوم سیاست تقیه پدر، از افشای اسرار امامت و اخبار خود و یارانش خودداری می کردند و با پیک های ویژه، دستورهای خود را به وکلا و شیعیانش ابلاغ می نمودند. کنترل آن حضرت (ع) چنان شدید بود که ایشان حتی یک بار مجبور شدند به غاری در یکی از روستاهای شام پناه ببرند.^۲

۲: جوی خفقان بر جامعه شیعه و امام (ع)

یکی از عوامل موانع گسترش احادیث شیعه در دوران امام کاظم(ع)، شرایط سخت آن دوران بود که حاکمان عباسی به امام و شیعیان آن حضرت(ع) تحمیل نمودند. اگر انسان از لحاظ

^۱ . کوثر شاهین، الامام موسی بن جعفر الکاظم(ع) اضأت حول سیره سابع ائمه اهل البیت(ع)، بیروت لبنان، دار التبلیغ الاسلامی، چ اول، ۱۴۲۵-۲۰۰۴، ص۱۴۶.

^۲ . محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

جانی و در امان نباشد و جو خفقان حاکم باشد، آن وقت نمی تواند کارهای روزمره را به خوبی انجام دهد. لذا شیعیان و یاران امام(ع) و خود حضرت(ع) از حیث امنیتی و سیاسی در امان نبودند، لذا نتوانستند علوم و معارف اسلامی را به آسانی بیان نمایند. البته باوجود چنین شرایطی امام توانستند همانند دیگر ائمه^۱ معارف اسلام را در جامعه اسلامی گسترش بدهند، و امت اسلام از علوم ایشان در امور دین و دنیا بهره مند گرداند.^۱

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: علی رغم گستردگی تلاشهای علمی و فرهنگی امام کاظم(ع)، علت آنکه هرگاه نام آن بزرگوار برده می شود ذهن بسیاری از افراد به بعد سیاسی زندگی آن حضرت(ع) معطوف می شود و بعد فرهنگی زندگی امام(ع) تحت الشعاع آن قرار می گیرد این است که در مرحله نخست، عظمت و گستردگی دانشگاه امام صادق(ع) در مقایسه با محفل درس آن حضرت(ع) و در مرحله بعد، شرایط خاص سیاسی دوران زندگی امام کاظم(ع) و داستان زندانهای پیاپی سیاسی آن حضرت که از برجستگی خاصی برخوردار است کار فرهنگی پیشوای هفتم(ع) را تحت الشعاع قرار داده و فعالیت فرهنگی او را در چنان شرایطی بعید می نماید.^۲

۳: دوری شیعیان از امام(ع)

یکی از عوامل عدم گسترش احادیث شیعه در عصر امام کاظم(ع)، دوری شیعیان از امام(ع) است. چون بدلیل شرایط حاکم بر جامعه شیعه در آن زمان، شیعیان و دوستان اهل بیت(علیهم السلام) نتوانستند به آسانی با امام(ع) خود ارتباط برقرار نمایند. لذا تشنگان معارف اسلام نتوانستند به صورت آزاد از منبع علم و معرفت کسب فیض نمایند. شیعیان در دوران امام کاظم(ع) در مناطق مختلف پراکنده بودند و از حیث موقعیت جغرافیائی در یک منطقه ی متمرکز نبودند. از طرف دیگر چون امام(ع) و دوستان اهل بیت(علیهم السلام) تحت نظر دستگاه حکومت بود، و همیشه نیروهای دولتی امام(ع) و شیعیان را نظر داشتند لذا نتوانستند به اندازه کافی از ایشان فیض ببرند.

^۱. حسن صفار، الثائر و السجن درسه فی حیاة الامام الکاظم(ع)، بیروت لبنان، دار البصائر، چ اول، ۱۴۰۵هـ، ص ۲۴.

^۲. تاریخ اسلام در عصر امامت، (دوران زندگی امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام)، تهیه کننده، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۴.

حاکمان عباسی، امام (ع) را به زندان فرستادند. و امام (ع) مدت زیادی از زندگی را در زندان گذراند چرا که امام (ع) در میان مسلمانان جایگاه خاصی داشتند و حکام تاب دیدن چنین شخصیتی را نداشتند.^۱

۴: نبود فضای علمی در جامعه اسلامی

درست است که آموزه های دین اسلام مسلمانان را به آموزش فرا می خواند و تأکید می کند که مسلمانان علم آموزی در اولویت قرار بدهد. اما در دوران امامت امام کاظم(ع) اعم از حاکم اسلامی(خلفای عباسی) و مسلمانان توجه خاصی به علم آموزی نمی کردند. و این عامل به نوبه خود در عدم گسترش احادیث شیعه اثر گذاشت و باعث شد احادیث شیعه آن چنان که باید گسترش می یافت، گسترش پیدا نکرد. چون خلفاء عباسی در این دوره به حیف و میل مشغول بودند و آن چه که برای آنان مهم بود، حکومت و قدرت سیاسی بود و هیچ اهمیتی به جامعه اسلامی نمی کردند. و امام (ع) هم در زندان بودند. البته امام(ع) در جامعه اسلامی آن زمان روح معنویت را زنده کرد و این یکی از سیاست های امام(ع) بود. یکی از اهداف عباسیان دور نمودن امت از معنویت و در جهالت نگه داشتن آن ها بود تا از این طریق مردم نسبت به حقوق خود و ظلم و ستمی که بر آنها میشود غافل بمانند. اما امام(ع) هم روح معنویت را در جامعه زنده نمودند و هم در زندان به امر به معروف و نهی از منکر پرداختند.^۲

۵: کارشکنیهای دستگاه خلافت عباسی

آوازه وموقعیت روز افزون موسی بن جعفر^۳ به ویژه در بعد فرهنگی و روشن کردن افکار عمومی، دستگاه خلافت را به وحشت انداخت. از این رو، حاکمان عباسی که عظمت و عمق این کار بنیادی را در دوران امام صادق(ع) درک کرده بودند تمام تلاش خود را برای محدود کردن فعالیت های فرهنگی امام(ع) و بازگرداندن افکار از مکتب تربیتی آن حضرت(ع) به کار گرفتند. در ذیل به یک نمونه آن اشاره می کنیم:

^۱. محمد فاضل المسعودی، العبد الصالح الامام موسی بن جعفر(ع)، قم، انتشارات زائر، چ اول، ۱۴۱۹هـ-ق-۱۳۷۷هـ-ش، ص ۲۰۱.

^۲. عصری البانی، الحیاه السیاسیه للامام الکاظم(ع)، قم، مرکز المصطفی(ص) العالمی للترجمه و النشر، چ اول، ۱۴۳۱ق-۱۳۸۸ش، ص ۲۵۹-۲۵۸.

دستگاه با گماردن جاسوسانی در مدینه^۱ برخوردها و ارتباطات امام(ع) را زیر نظر می گرفت و شاگردان و اصحاب آن حضرت(ع) را به شیوه های مختلف تحت فشار قرار می داد و آنان را از ارتباط با امام(ع) و سخن گفتن و تبلیغ در مجامع عمومی باز می داشت؛ بگونه ای که یاران موسی بن جعفر^۲ به هنگام نقل حدیث، از آن حضرت ناچار بودند نام امام(ع) را با کنایه و با القابی همچون: «عبد صالح»، «عالم»، «صابر»، «امین»، «ابو ابراهیم» و «سید» یاد کنند.^۲

در برخی از مواقع، خود امام(ع) - که جان یاران خود را از ناحیه حکومت در خطر می دید - آنان را از سخن گفتن باز می داشت. به عنوان، به هشام بن حکم که در بحث و مناظره با گروههای مختلف فکری ید طولانی داشت، پیغام داد که به علت خطرهای موجود، در شرایط فعلی از مناظره و سخن گفتن خود داری کن. هشام می گوید تا هنگام مرگ مهدی عباسی و پیدایش آرامش نسبی سخن نگفتم.^۳

۶: اختناق فرهنگی

یکی دیگر از عدم رشد حدیث شیعه در عصر امام کاظم(ع) اختناق فرهنگی بود. آن امام همام(ع) نتوانستند علوم الهی خود را به جامعه اسلامی برسانند، چنانچه یکی از نویسندگان اهل سنت در این مورد می نویسند: «تهدیدهای و مراقبت های شدید هارون و خلفای عباسی زمینه ساز نگرانی و اختلال زندگی امام(ع) و اطرافیان ایشان شده بود و در نتیجه، آنان به فعالیت های پنهانی روی آورده بودند. برای نمونه نقل می کند مهدی و هارون در برخورد با امام(ع) همان راه منصور را پیشه کردند. آنان جاسوس می گماشتند تا بدانند مردم پیرامون چه کسی گرد می آیند تا بدین وسیله امام بعدی بعد از امام صادق(ع) را شناسایی کنند. مراقبت ها چنان بود که امام کاظم(ع) به کسانی که برای دریافت پاسخ پرسش های خود خدمت امام(ع) می رسیدند، می فرمود: «وقتی گام ها از رفتن باز ایستاده و راه ها بی رهرو شد(سکوت و تاریکی فراگیر شد)، آن هنگام بیا و بپرس گاهی نیز می فرمود: بپرس و بدان، ولی جای بازگو نکن و گرنه به بهای جان تمام می شود.

^۱ محمد بن عمر کشی، رجال کشی، جزء ۴، ص ۲۸۲، حدیث ۵۲ و مناقب، ج ۴، ص ۲۹۰.

^۲ هاشم معروف الحسینی، سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۲، ص ۳۳۴.

^۳ عباس قمی، انوار البهیه، ص ۱۶۹-۱۷۰.



هاشم بن سالم پیوسته به یاران امام هشدار می داد که مبادا در دام مأموران منصور عبای گرفتار شوند. از این هشدارهای شدید امنیتی بر می آید که فضای فرهنگی به وجود آمده در عصر امام صادق(ع) سپری شده بود.^۱

لذا در پایان می توان گفت بنا بر برخی عوامل که بیان شد، در عصر امام کاظم(ع) گسترش یافت و توسعه پیدا کرد. اما این توسعه یافتگی حدیث بسان گسترش حدیث در عصر امام باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) نبود. برخی از عوامل، مانع گسترش حدیث شیعه در امام کاظم(ع) شد.

نتیجه

احادیث و روایات شیعه که از طریق ائمه اطهار^۸ به دست ما رسیده است در طول تاریخ فراز و نشیبی داشته است. این فراز و نشیب ها بخاطر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی... بوده است. آن چه مربوط به عوامل و موانع گسترش احادیث شیعه در دوران امامت امام کاظم(ع) است چند عوامل باعث گسترش حدیث شیعه شد، از جمله پس لرزه های عصر صادقین^۹ که نقل احادیث به اوج خود رسیده بود؛ طولانی بودن مدت امامت امام(ع)؛ مرجعیت علمی امام(ع) و همچنین امام(ع) باوجود جو خفقان و اختناق، اهتمام خاصی به تربیت شاگردان داشتند از این طریق افراد زیادی از علوم بیکران امام(ع) بهره کافی بردند و آنان نقش بسزای به نقل و انتقال حدیث شیعه داشته اند.

و در مقابل گسترش موانع احادیث در عصر امام کاظم را هم مشاهده می کنیم که آن عوامل عبارتند از : شرایط سیاسی آن زمان که بر علیه امام(ع) و شیعه بود و امام(ع) زیر نظر دستگاه حاکم بود؛ دوری شیعیان از امام(ع)؛ اختناق فرهنگی؛ نبود فضاء و شرایط علمی در جامعه اسلامی آن روز؛ و کارشکنیهای دستگاه عباسی این عوامل باعث شد که اقوال گران بها امام که عامل رشد جامعه بشری بود، بشر از آن محروم بماند.

۱. عبد الحلیم الجنّدی، الامام الصادق علیه السلام، ص ۳۷۲. به نقل از امام کاظم(ع) از دیدگاه اهل سنت، علی اصغر قربانی، ص ۳۳-۳۴، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاول، ۱۳۸۵.

منابع و مأخذ

- (۱) ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، موسسه انتشارات علامه، قم ۱۳۷۹ ش.
- (۲) ابن عنبه، احمد بن علی، عمده الطالب، قم، انصاریان، ۱۳۸۵ ش.
- (۳) امیر علی، مختصر تاریخ العرب، نشر دارالعلم، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- (۴) حسن صفار، الثائر و السجن درسه فی حیاة الامام کاظم(ع)، بیروت لبنان، دار البصائر، ۱۴۱۲ ق.
- (۵) خوبی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ ش.
- (۶) ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب الازنؤوط، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
- (۷) طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۹ ق.
- (۸) طبرسی، محمد بن جریر، تاریخ طبری، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- (۹) عصری البانی، الحیاة السیاسیه للامام کاظم(ع)، قم، مرکز المصطفی(ص) العالمی للترجمه و النشر، ۱۳۸۸ ش.
- (۱۰) عطاردی، عزیز الله، مسند امام کاظم علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ ش.
- (۱۱) قربانی، علی اصغر، امام کاظم(ع) از دیدگاه اهل سنت، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵ ش.
- (۱۲) القرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام کاظم(ع)، قم، کنگره جهانی امام رضا(ع)، ۱۳۶۹ ش.
- (۱۳) قمی، شیخ عباس، الانوار البهیة، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش.
- (۱۴) کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، دانشگاه، مشهد، ۱۳۴۸ ق.
- (۱۵) کوثر شاهین، الامام موسی بن جعفر کاظم(ع) اضات حول سیره سابع ائمه اهل البيت(ع)، بیروت لبنان، دار التبلیغ الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.



۱۶) مسعودی، محمد فاضل، العبد الصالح الامام موسى بن جعفر(ع)، قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۷ش.

۱۷) معروف الحسینی، هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، نجف، مکتب الحیدریه، بی تا.

۱۸) مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، تحقیق: موسسه آل البيت قم: کانفرس جهانی هزامین سال شیخ مفید، چ اول ۱۴۱۳ ق.

۱۹) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق: شبیری زنجانی، موسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی (زیر نظر جامعه مدرسین حوزه قم) چ هشتم ۱۴۲۷ ق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

